

رژیم مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در پرتو رویه قضایی
سمیه رحمانیان^۱ - دکتر محمدحسین رضائی قوام آبادی^۲ - دکتر محسن محبی^۳ -

دکتر سید محمد هاشمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

چکیده:

پرسش اصلی در بحث مسئولیت شرکت‌های چند ملیتی ناشی از نقض الزامات زیست محیطی این است که در این خصوص چه تعهدات و قواعد حقوقی را می‌توان شناسائی نمود و اساساً این شرکت‌ها تا چه حدی به الزامات حقوقی در جهت پایبندی و ارتقاء استانداردهای زیست محیطی تن داده‌اند؟

هر چند حقوق بین‌الملل محیط زیست تعهداتی را در قالب حقوق نرم و قوام نیافته برای این شرکت‌ها پیش‌بینی نموده است، لیکن ما در این پژوهش، با در نظر گرفتن اصول زیست محیطی حاکم بر فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، و با توجه به رویه‌های قضایی، ساز و کارهای رژیم مسئولیت این شرکت‌ها را در خصوص جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات زیست محیطی، بررسی نموده‌ایم.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین‌المللی، محیط زیست، شرکت‌های چند ملیتی، هنجارهای

زیست محیطی

^۱ - دانش‌آموخته دوره دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Srahmanian_lawyer@yahoo.com

^۲ - عضو هیئت علمی مدعو، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ramezanihavam@yahoo.com

^۳ - عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ - عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه:

یکی از چالش‌های مهم امروزی، مشکلات ناشی از تعامل نادرست انسان با طبیعت است که منجر به از بین رفتن تعادل زیست محیطی شده است. امروزه حدود هشتاد درصد سرمایه‌گذاری بین‌المللی توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، حقوق حاکم بر فعالیت‌های این شرکت‌ها را نیز شامل می‌شود، بنابراین موضوع این تحقیق در چارچوب و زیرمجموعه بحث «حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی» و «حقوق بین‌الملل محیط زیست»، قرار می‌گیرد. در جهت اهداف این موضوع، آنچه بیشتر در چارچوب هدف توسعه اقتصادی بویژه کشورهای در حال توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئولیت‌های این شرکت‌هاست. در زیر مجموعه مسئولیت‌های این شرکت‌ها، مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی موضوع جدیدی نیست، لیکن در سال‌های اخیر، شاهد سهل‌انگاری بسیاری از سوی برخی از شرکت‌های چندملیتی بوده‌ایم منجر به فجایع عمده زیست محیطی از جمله نشت نفت در اثر فعالیت‌های این شرکت‌ها و... گردیده است که منجر به پرسش‌هایی در زمینه مسئولیت بین‌المللی چندملیتی‌ها در قبال صدمات شدید به محیط زیست شده است.

در این زمینه، مشکلات فراوانی از جمله عدم شفافیت موضوع مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی، مشخص نبودن حدود و حیطة تعهدات آنها و نیز مشخص نبودن انتظارات از حقوق‌دانان وجود دارد، همچنین چگونگی و میزان تاثیر حقوق بر شفافیت و مسئولیت‌پذیری هر چه بیشتر شرکت‌ها و نیز تاثیر بالقوه «مسئولیت زیست محیطی شرکت‌ها» به عنوان یک جنبش اجتماعی، بر نظام حقوقی، موضوع‌های مهم و نسبتاً جدیدی هستند که لازم است مورد توجه حقوق‌دانان و متخصصین قرار بگیرد.

ظرفیت تعهدات مستقیم حقوق زیست محیطی برای قاعده‌مندسازی فعالیت‌های شرکت چندملیتی، تا حدی از حیث نظری قابل قبول است ولی چگونگی تعمیم قواعد حقوقی زیست محیطی به این شرکت‌ها، جای ابهام دارد. به عبارت دیگر مسئله اساسی، این است که ماهیت تعهدات ناشی از قواعد زیست محیطی برای چند ملیتی‌ها چیست و رژیم مسئولیت زیست محیطی این شرکت‌ها چگونه باید تنظیم شود؟ آیا می‌توان مسئولیت شرکت‌های چند ملیتی

در حوزه الزامات زیست محیطی را به دولت متبوع منتسب نمود؟ آیا مسئولیت شرکت فرعی قابل انتساب به شرکت مادر است؟ آیا رژیم مسئولیت زیست محیطی این شرکت‌ها در مورد زیاندیدگان خصوصی و زیاندیدگان دولتی یکسان است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، سعی شده است با بررسی اسناد، کتاب‌ها، مقالات و رویه قضایی، تعهدات و مسئولیت‌های زیست محیطی این شرکت‌ها را شناسایی و در قالب حقوقی الزام‌آور طرح نماییم.

بنابراین، در این پژوهش ضمن ارائه مختصری از مبانی مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی و اثرات حقوقی آن، با شناسایی رژیم حقوقی در خصوص قاعده‌مندسازی مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی و رجوع به رویه قضایی ملی در دعاوی خصوصی و دعاوی دولتی، یک طرح و قالب حقوقی برای جبران خسارت وارده به محیط زیست ارائه خواهیم داد.

مبحث اول - مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در دعاوی خصوصی

۱- مبانی مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در دعاوی خصوصی

امروزه، دغدغه غالب سرمایه‌گذاران در قلمرو حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، توسعه، تدوین و ارتقاء حمایت‌های حقوق بین‌الملل از سرمایه‌گذاران و شرکت‌های چندملیتی بوده است. قدرت غیرقابل مهار دولت‌های میزبان، همیشه به عنوان تهدید علیه سرمایه‌گذاران محسوب شده است. با وجود این، گرایش سرمایه‌گذاران و شرکت‌های چندملیتی، برای حضور در این کشورها، بیشتر و بیشتر می‌شود و این خود، نشان دهنده بازار مناسب کشورهای در حال توسعه و وجود منابع طبیعی بزرگی در این کشورهاست. لذا، می‌توان گفت: یکی از مهم‌ترین مبانی مسئولیت شرکت‌های چندملیتی، وجود معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری است. در کشورهای غربی سرمایه فرست، جهت حفظ بازار مطلوب و حمایت از حقوق و منابع سرمایه‌گذاران و شرکت‌های متنوع آنها، به امضای معاهدات دو جانبه روی آورده‌اند تا بدین وسیله، ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و تازه استقلال یافته را کاهش دهند و به همین جهت استانداردهای حمایت از سرمایه‌گذاری در معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری از جمله رعایت الزامات زیست محیطی پیش‌بینی شده است. مسئولیت سرمایه‌گذاران و شرکت‌های چندملیتی، از ابتدای پیدایش بازرگانی بین‌المللی وجود داشته است، هر چند

هنوز هم مصادیق و محتوای آن شفافیت لازم را ندارد. علاوه بر معاهدات دو جانبه، می‌توان به فعالیت و نقش سازمان‌های غیر دولتی و تلاش آنها در راستای تنظیم و نگارش پیش نویس درج انواع مسئولیت‌های شرکت‌های چندملیتی در کنوانسیون چند جانبه سرمایه‌گذاری^۱ اشاره کرد چرا که در این کنوانسیون به نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشری و زیست محیطی از سوی شرکت‌های چندملیتی اشاره شده است. هر چند مذاکرات مربوط به تهیه این پیش‌نویس از سال ۱۹۹۸ متوقف مانده است لیکن تلاش این سازمان‌ها برای درج این موارد در سند، موفقیت آمیز بوده است. (Jenifer A, 2006. 15 – 29)

همچنین سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در دستورالعمل خود برای شرکت‌های چند ملیتی، تعهدات و مسئولیت‌هایی را پیش‌بینی کرده است. در ارتباطات آنکتاد نیز لیست‌هایی مشابه و کلی تنظیم شده است که مسئولیت‌ها و تعهدات متعددی را متوجه سرمایه‌گذاران و شرکت‌های چندملیتی نموده است.^۲ همچنین می‌توان اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، اعلامیه ریو و کنوانسیون ملل متحد در مبارزه با فساد در این زمینه را مورد ملاحظه قرار داد.

حقوق بین‌الملل عرفی و معاهدات سرمایه‌گذاری، تاکید ویژه‌ای بر حمایت از اموال و منافع سرمایه‌گذاران در قالب حقوق بین‌المللی دارند، در عین حال، آنچه باعث شناسایی نسبی بعضی تعهدات برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های چندملیتی در حوزه حقوق بین‌الملل بوده است، ایجاد تعادل بین منافع شرکت‌های چندملیتی و منافع دولت‌های میزبان بوده است. برخی تاکید بر عدم شناسایی شخصیت بین‌المللی شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل دارند و لذا قواعد مربوط به تعهدات بین‌المللی آنها را نادرست می‌دانند. در مقابل، برخی، اکثر تعهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاران را، ناشی از مباحث نوین در حقوق بین‌الملل از جمله مباحث زیست محیطی می‌دانند که آن را در زمره تعهدات نرم و حقوق نرم تلقی می‌نمایند. از سویی دیگر کشورهای در حال توسعه، بر انسجام و استحکام این نوع تعهدات، اصرار دارند. کمیسیون ملل متحد در مورد شرکت‌های فراملی که بعدها در مجموعه آنکتاد قرار گرفت نیز دستور-

^۱ - Multinational Investment convention

^۲ - UNCTAD, The social Responsibility. Series on Issues in International Investment Agreements, 2001, p. 101.

العملی را در خصوص تعهدات این قبیل شرکت‌ها طرح نمود که البته عدم توافق بین دولت‌ها مانع تصویب نهایی این پیش‌نویس شد^۱.

به طور کلی، جامعه بین‌المللی نتوانست در خصوص تعهدات و مسئولیت‌های شرکت‌های چند ملیتی به اجماع برسد. اما موارد نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها یا مشکلات زیست محیطی ناشی از سرمایه‌گذاری، از جمله نشت گاز در هند در پروژه متعلق به یک شرکت آمریکایی و یا لکه نفتی خلیج مکزیک، منازعات جهانی را بر تعهدات شرکت‌های چند ملیتی متمرکز ساخته است. در این بین، نباید تلاش سازمان‌های غیردولتی را نادیده گرفت. لذا تعیین دقیق تعهدات زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی، به تدبیر و تعمق بیشتری نیاز دارد. واضح است که تعهدات و مسئولیت‌های شرکت‌ها، متفاوت از تعهدات دولت‌هاست. به عبارتی دیگر، اصول برخی مسئولیت‌های دولت‌ها، از جمله حقوق پناهندگان یا حقوق سیاسی حکومتی یا حقوق مربوط به تابعیت، اصولاً در مورد شرکت‌ها، کاربردی ندارد. از طرف دیگر باید توجه داشت که دولت‌ها خود، موضوع حمایت‌های مستقیم موازین حقوق بشر و حقوق محیط زیست می‌باشند، در حالیکه شرکت‌های چند ملیتی همچون سایر بازیگران غیر دولتی، خود از برخی حقوق منتفع می‌شوند. به هر حال هنجارهای طرح شده در سند سازمان ملل متحد، می‌توانند بیانگر تعهدات شرکت‌های چندملیتی بویژه در حوزه زیست‌محیطی باشند و در هر صورت نباید از یاد برد که این شرکت‌ها، نباید به نقض حقوق محیط زیست در کشور میزبان مساعدت کنند و این ضابطه خود می‌تواند به عنوان حداقل تعهدات آنها در عرصه حقوق محیط زیست مطرح باشد. (Muchlinski, 2008: 78)

از آنجا که، در این پژوهش تاکید بر قاعده‌مند سازی مسئولیت زیست محیطی شرکت‌هایی چند ملیتی در رویه قضایی است، لذا بررسی اسناد و معاهدات و فعالیت سازمان‌های بین‌المللی تا همین حد به اختصار مورد بررسی قرار گرفته، با در نظر گرفتن اصول زیست محیطی متعددی که در حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود دارند و قابل تسری به شرکت‌های چند ملیتی هستند، همچون اصول یکپارچه سازی، مراقبت کافی، پیشگیری، احتیاط، ارائه

^۱ - UNCTAD, United Center on Transnational Corporations (UNCTAD) at: http://unctc.org/Unctad.Org/a_spx/index,Aspx/2016

اطلاعات زیست محیطی، مشورت و استفاده پایدار از منابع طبیعی، به دنبال ارائه یک نظام قاعده‌مند در خصوص مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در حوزه الزامات زیست محیطی با تاکید بر رویه قضایی هستیم.

۲- بررسی رویه قضایی ملی

از دست دادن جان صدها هزار نفر از مردم بومی و یا انواع صدمات جسمی و روحی ناشی از فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، از جمله اقدامات تخریب کننده شرکت یونیون کارباید (union carbide) در بوپال هند، کارگاه‌های شرکت نایکی (NIKE) در اندونزی و پاکستان، تاسیسات صنعتی شمال مکزیک و السالوادور و کارخانه‌های شرکت وال مارت (Wall maret) در هندوراس، از اواسط دهه ۸۰ میلادی، این دیدگاه را نزد افکار عمومی دنیا به وجود آورد که شرکت‌های چند ملیتی در پشت ظاهر خود، فجایع زیست محیطی جبران ناپذیری را رقم می‌زنند که در صورتی که جلوگیری و مهار نشود، ممکن است به نابودی کل زمین منجر شود. (Monshipouri, 2003.88)

پس از اولین فاجعه زیست محیطی ناشی از فعالیت شرکت‌های چند ملیتی بوپال هند در سال ۱۹۴۸، بحث مسئولیت زیست محیطی این شرکت‌ها با توجه و جدیت بیشتری مورد ملاحظه ارگان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیر دولتی قرار گرفت و در چارچوب اصول دهگانه میثاق جهانی ملل متحد، نهادینه گردید، تا حدی که امروزه تعداد زیادی از این شرکت‌ها در کنار ارائه گزارش گردش کار مالی، گزارشی از اقدامات زیست محیطی خود را منتشر می‌کنند.^۱ (همان، ۹۰)

اولین کشور اروپایی که از سال ۱۹۹۵ انتشار اطلاعات زیست محیطی خود را بر مبنای قانون حسابرسی زیست محیطی و در قالب یک قانون رسمی در آورده است، کشور دانمارک است، بر مبنای این قانون، شرکت‌هایی که اقدامات آنان، تاثیر قابل توجهی بر محیط زیست دارد، ملزم به اطلاع‌رسانی در مورد تاثیرات زیست محیطی فعالیت‌ها و اقدامات جبرانی خود در این زمینه هستند. در کشور هلند، در اواخر دهه ۱۹۹۰، در فرانسه در سال ۲۰۰۱، در استرالیا

^۱ - Monshipouri 2003, 90

و در امریکا نیز به موجب تصویب قوانین داخلی، به عنوان نمونه، شرکت‌های چندملیتی متعهد هستند سوانح زیست محیطی را در سند تحلیل و بررسی مدیریتی خود که جزئی از گزارش سالانه شرکت است، بیاورند، همچنین متعهد هستند هزینه‌های اجرایی ضوابط زیست محیطی را هم در گزارش‌های خود بیاورند.

بر اساس حقوق مسئولیت مدنی، افراد ذی نفع می‌توانند از طریق اقامه دعوی مربوط به سهل‌انگاری و سایر اسباب مرتبط مسئولیت مدنی به طور خصوصی، معیارهای مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی را اعمال نمایند. در رویه قضائی بسیاری از کشورهای توسعه یافته مشاهده شده است که کارکنان خسارت دیده در نتیجه معیارهای ضعیف محل کار، خانواده‌هایی که درآمد خود را در نتیجه صدمات زیست محیطی ناشی از رویه‌های ضعیف اجرایی، از دست داده‌اند یا مصرف‌کنندگان که در نتیجه نقض معیارهای ایمنی و سلامتی محصول، صدمه دیده یا بیمار شده‌اند، حق اقامه دعوی علیه طرفی که مسئول خسارت است را داشته‌اند. خواهان‌ها، در طرح دعوای خود علیه شرکت‌های چندملیتی، نه تنها شرکت‌های فرعی، بلکه شرکت مادر را نیز طرف دعوی قرار داده‌اند.

در پرونده بوپال (Bhopal)^۱، خسارت دیدگان فاجعه بوپال در سال ۱۹۸۴ دعوایی مبنی بر سهل‌انگاری مطرح کردند که به موجب آن، دولت هند، مسئولیت را علیه شرکت فرعی با مسئولیت محدود کارباید^۲ (UCIL) و شرکت امریکایی مادرش، شرکت متحد کارباید (UCC)^۳ مفروض می‌دانست. در این حادثه، در حالی که سهل‌انگاری شرکت‌های فرعی هندی به عنوان اصلی‌ترین دلیل فاجعه، محرز بود، خواهان‌ها به دنبال این استدلال بودند که شرکت مادر (UCC) نیز باید مسئول باشد. چندین نظریه در حمایت از این موضوع مطرح بود، اما شاید امیدوار کننده‌ترین استدلال‌های خواهان‌ها، وظیفه و نقش UCC در طراحی و ساخت کارخانه هندی و فقدان نظارت بر ایمنی بعد از آن بود. اگر چه این استدلال‌ها به نفع دادگاه‌های هندی، بود در جهت منافع عمومی و در نهایت به دلیل عدم صلاحیت دادگاه رد شد.

^۱- Union Carbide Corp. V Union of India (Bhopal) Available in: UNEP/ UNDP/ Dutch Government joint project on Environmental law in Africa, Compendium of Tudicial Decisions on Matters related to Environment, National Decisions, Volume IP. 227.

^۲- Union Carbide India Limited company (UCIL)

^۳- Union Carbide corporation (UCC)

دادگاه عالی هند در سال ۱۹۸۹ پیشنهاد ۴۷۰ میلیون دلاری UCC را پذیرفت ۴۲۰ میلیون دلار از آن را UCC و ۵۰ میلیون دلار از آن را UCIL پرداخت کردند. با این حال دعوای بوپال خاتمه نیافت. کشمکش‌های حقوقی در دادگاه‌های هندی برای مدت زمانی پس از آن ادامه پیدا کرد به نحوی که تعدادی از خسارت‌دیدگان فاجعه بوپال، مجدداً دعوای را علیه UCC و رئیس آن، بر اساس قانون دعوای مسئولیت مدنی اتباع، مطرح کردند. سازمان عفو بین‌الملل، در گزارش خود مربوط به بیستمین سالگرد این فاجعه، متذکر می‌شود که هنوز ۳۳۷/۵ میلیون دلار در توقیف رزرو بانک هند است.^۱

در طی دو دهه گذشته لاقلاً ۴۷۰ طرح دعوی (شامل ۲۰ هزار خواهان) در دادگاه‌های ایالات متحده آغاز شده است که همه حول یک موضوع واحد هستند. شرکت‌های آمریکایی که در این دسته دعوای خاص طرف دعوی قرار گرفتند، تولید کنندگان مواد شیمیایی (Shell & Dccidental, Dow chemicals) و شرکت‌های غذایی (Standard Fruit, Del monte, Dole) بودند. بسیاری از این دعوای به دلیل عدم صلاحیت دادگاه رد شدند و البته تعداد کمی هم خارج از دادگاه حل و فصل شدند. با این حال تمایل قضات در دعوای اخیرتر، این است که منتقدانه‌تر به این موضوع می‌نگرند که آیا مرجع حل و فصل دیگر مناسب و قابل دسترسی برای این دعوای وجود دارد یا نه؟ (Zerk, 2006. 289) دسته دیگر از دعوای ایالات متحده که در اینجا مورد توجه هستند به گروه دعوای Doe v. unocal معروف هستند. دعوای دو علیه یونوکال مربوط می‌شد به ادعا برای خسارات توسط گروهی از اتباع برمه‌ای برای سوء استفاده از حقوق محیط زیست که به دست نیروهای امنیتی برمه در ارتباط با بهره‌برداری از خطوط لوله حمل گاز، اتفاق افتاده بود. براساس اظهارات خود خواهان‌ها، یونوکال و توتال که طرف سوء استفاده‌های حقوق محیط زیست و حقوق بشر شامل کار اجباری، مبادرت به استفاده از خدمات پلیس و نیروی نظامی و کمک مالی به آنها در منطقه می‌نمودند.

ویوا علیه شرکت نفتی رویال هلندی^۲ دعوایی بود که توسط اعضاء خانواده فعال زیست

^۱ - Amnesty Interational. "Claucls of Injustice" (Amnesty Interational Publications, 2004) <http://www.Amnesty.Org/Library, 66/>. Feb, 2014

^۲ - Wiva V. Royal Dutch petroleum Ltd (1995)

محیطی نیجریه‌ای، یعنی کن سارووویوا (Ken Saro – wiwa) اقامه شد که در این دعوی، ادعا شده بود، شرکت‌های فرعی نیجریه‌ای گروه سلطنتی هلندی شل از نیروهای امنیتی محلی به منظور سرکوب مخالفت برای عملیات نفتی آنها در نیجریه استفاده نموده‌اند و متعاقب آن خواننده مبادرت به تهدید به زندان، شکنجه و قتل خواهان‌ها و خویشاوندان آنها نموده‌اند. دلایل این دعوی مربوط می‌شد به این ادعا که در حالی که این سوء استفاده‌ها توسط دولت و نیروی نظامی نیجریه انجام می‌گردید، آنها توسط شرکت شل و تحت دستور خواندگان، برنامه ریزی، تجهیز و هماهنگ می‌گردیدند. بویژه ادعا شده بود که گروه هلندی سلطنتی شل مبادرت به تهیه پول، سلاح و حمایت‌های تدارکاتی برای نیروهای نظامی نیجریه نموده بود.

در دعوای بینال علیه فریپورت مک‌مورن^۱ خواهان‌ها ادعا نمودند که اعضاء گروه شرکت‌های فریپورت، به طور سازمان یافته مستقیماً یا غیرمستقیماً، سیاست شرکتی را از طریق اشخاص ثالث، اعمال نمودند به نحوی که منجر به موارد نقض حقوق محیط زیست و حقوق بشر علیه قبیله آمونگمه و سایر مردم قبیله ایندیجنس گردید. گفته می‌شد این اقدامات شامل ایجاد آلودگی هوا ناشی از عملیات در معدن، قتل فرا قانونی، شکنجه، تهدید به مرگ، ایجاد درد فیزیکی سخت از طریق پرسنل امنیتی به کار گرفته شده در ارتباط با عملیات آن شرکت در معدن گراس برگ بوده است.

یک شرکت مطابق قانون دعوای مسئولیت مدنی اتباع، در صورتی می‌توانست مسئول شناخته شود، که یا فعالیت‌هایش منجر به «اقدام دولت» در نقض «حقوق ملل» شود یا آنجائی که ادعا شده که تعهد نقض گردیده است، از مواردی باشد که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، برای یک فرد یا شرکت خصوصی مستقیماً قابل اجرا باشد.

تاکنون هیچ یک از دعوای طرح شده مطابق قانون داخلی مسئولیت مدنی اتباع بیگانه علیه چند ملیتی‌های ایالات متحده آمریکا، در ماهیت استماع نشده است. تعداد زیادی از این دعوای غالباً به دلیل دادگاه نامناسب یا سهل‌انگاری در طرح صحیح ادعا مطابق قانون داخلی رد شده‌اند. فقط می‌توان دعوای «دو علیه یونوکال» را نام برد که بیشتر از سایر دعوای در

¹ - Beanal v. Freeport MCMORAN 1998

دادگاه پیش رفت، گرچه در این دعوی نیز قبل از اینکه دادگاه به ماهیت آن بپردازد، در خارج از دادگاه حل و فصل گردید. (Zerk, 2006. 211)

در نمونه‌ای دیگر تعدادی دعاوی علیه بریتانیا طرح شده مبنی بر اینکه شرکت‌های «تولید مواد شیمیایی محدود» ایجاد شده است که به عنوان یک شرکت سازنده مواد شیمیایی جیوه‌ای محسوب می‌شود. ریچارد میرین یکی از وکلای خواهان‌ها شرح دعوا را به ترتیب ذیل توضیح داده است: وضعیت «بهداشت و امنیت در کارخانه مارگیت» طی یک دوره طولانی به دلیل بالا رفتن سطح جیوه در خون و ادرار کارکنان، تحت انتقاد شدیدی قرار گرفت. در حدود سال ۱۹۸۶ شرکت با خاتمه دادن به فرایند تولید جیوه در کارخانه مارگیت، کارخانه مزبور را به کاتوریج، ناتال و آمریکای جنوبی انتقال داد. در آن کارخانه نیز دقیقاً همان خطاهایی که قبلاً در زمینه بهداشت و مسائل ایمنی شناسایی شده بود، تکرار شد. در نهایت در سال ۱۹۹۲ یکی از موارد مسمومیت جیوه در میان کارگران در کارخانه آفریقای جنوبی رخ داد که به مرگ سه کارگر انجامید و این مسئله سبب طرح ادعای حدود ۲۰ کارگر در دادگاه‌های بریتانیا شد در نهایت موضوع در خارج از دادگاه به مصالحه حل و فصل شد. (همان: ۲۰۰)

بنابراین، موضوع طرح چنین دعاوی نزد محاکم ملی، همچنان مبهم است. برخی دادگاه‌های رسیدگی قضایی به اعمال شرکت‌های خارجی در کشور خود را نادرست می‌دانند. برخی دادگاه‌ها نیز بر این باورند که آنها باید این گونه اعمال شرکت‌های خارجی را رسیدگی کنند، ولی در بیشتر موارد، به عدم وقوع هرگونه نقضی حکم می‌دهند یا دست کم به وقوع نقضی که خواهان را سزاوار دریافت خسارت نزد آن دادگاه‌ها کند، حکم نمی‌دهند. با این حال، تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی موضع روشنی از سوی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا درباره چگونگی تفسیر موارد نقض حقوق محیط زیست در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نشده است. (لوونفلو، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

علاوه بر این، آنچه مهم‌تر از همه در نتیجه‌گیری این دعاوی به نظر می‌رسد این است که موانع و ابهامات مختلف بر سر راه دعاوی مسئولیت زیست‌محیطی علیه شرکت‌های چند ملیتی است و متأسفانه ملاحظه می‌گردد که ممکن است ما را بیشتر به این نظریه رهنمون کند که تکیه بر حقوق نرم و ابزارهای تشویقی در این راه کافی نبوده و نیست، زمان آن

رسیده است به نظام مسئولیت زیست محیطی شرکت‌ها و در مقیاس کلی‌تر به نظام حقوق مسئولیت شرکت‌های چندملیتی از دیدگاه بین‌المللی و جهانی نگریسته شود و از مجموع تجربه‌های موجود ملی و اندک اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه به سوی نظامی واحد و جدی‌تر در این زمینه حرکت نمود.

اما آنچه مورد ادعای زیان‌دیدگان خصوصی در دعاوی زیست محیطی علیه شرکت‌های چند ملیتی به عنوان بهترین و رایج‌ترین راه‌حل، در حال حاضر به نظر می‌رسد اقامه دعوی مسئولیت مدنی توسط زیان‌دیدگان خصوصی علیه شرکت‌های چند ملیتی (مادر یا فرعی) در دادگاه‌های داخلی دولت مبدا و مطالبه خسارات می‌باشد.

مبحث دوم - مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی در دعاوی دولتی

۱- معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری^۱ (BITs)

آنچه امروزه بر سر آن بحث و جدل و موضوع بسیار مهم و اساسی است، این است که دولت‌ها از اقامه دعوی در راستای حمایت از محیط زیست، سلامت و سایر منافع عمومی، به علت ادعاهای محتمل سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خارجی، جلوگیری به عمل خواهند آورد.

اخیراً، ژوزف استیجلیتز (Joseph Stiglitz)، یک اقتصاددان برنده جایزه نوبل و پروفیسور دانشگاه کلمبیا، در خصوص خطرات TPP هشدار داد. به گفته وی «ما می‌دانیم که به مقرراتی که انتشار کربن را محدود سازد، نیاز خواهیم داشت. اما، تحت این مقررات، شرکت‌ها می‌توانند دولت را از جمله دولت آمریکا، مورد تعقیب قانونی قرار دهند» بنابراین تمام دولت‌هایی که عضو در TPP هستند می‌توانند به واسطه از دست دادن منافع، به عنوان نتیجه‌ای از مقرراتی که توانایی آنها را برای انتشار کربن که منجر به گرم شدن کره زمین می‌گردد محدود می‌سازد، مورد دعوی قرار گیرند. (Crawford, 2001: 5)

مه گسترده‌ای که از طریق آتش‌سوزی برای سوزاندن جنگل‌ها به منظور ایجاد زمین برای محصولات روغن نخل ایجاد شده است و به طور گسترده در حال تاثیرگذاری بر چندین کشور

^۱ - Bilateral Investment Treaties

همسایه اندونزی می‌باشد، می‌تواند موضوع مورد بررسی بعدی باشد. این عمل که هر ساله انجام می‌گیرد، به نظر می‌رسد توسط اندونزی و دولت‌های ایالتی مربوط مورد چشم پوشی واقع شده است. این امر زیر مجموعه‌ای از تعهدات معاهده بین‌المللی اندونزی مربوط به حمایت سرمایه‌گذاری و هم حمایت زیست محیطی را تشکیل خواهد داد. (Stallworthy, 2003:11) در نگاه اول به نظر می‌رسد اندونزی در حال نقض این تعهدات بوده است. همچنین ضمن اینکه اندونزی می‌توانسته است، توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری مربوط که با کشورهای همسایه منعقد شده را نقض نماید. بیشتر این معاهده‌ها، تعهداتی را در جهت فراهم نمودن «امنیت و حمایت کامل» بر طرفین قرارداد اعمال می‌نمایند. برای نمونه، معاهده سرمایه‌گذاری ASEAN که در سال ۲۰۱۲ برای اندونزی قوت گرفت، شامل استاندارد «امنیت و حمایت کامل» می‌باشد. همچنین، معاهده دو جانبه (BIT) تایلند - اندونزی ۱۹۹۸، «امنیت و حمایت کامل» را فراهم می‌نماید، در حالیکه معاهده دو جانبه سنگاپور - اندونزی ۲۰۰۶ شامل یک استاندارد مسلماً محدودتر به واسطه فراهم نمودن تنها «حمایت و اختیار فیزیکی کافی» می‌باشد. (همان: ۲۰۱)

در نظر گرفتن این واقعیت که متأسفانه بسیاری از دولت‌ها، در سراسر جهان در اجرای موثر قانون زیست محیطی قابل اجرا، چه در سطح ملی یا بین‌المللی، موفق عمل نمی‌کنند، نه تنها باعث آسیب رساندن به محیط زیست و سلامت شهروندان آنها می‌شود، بلکه به دارایی سرمایه‌گذاران خارجی نیز آسیب وارد می‌نماید. ISDS ادعا می‌کند می‌تواند به یک ابزار بسیار کارآمد، برای وادار کردن دولت‌ها، به طی کردن مراحل لازم برای جلوگیری از آسیب‌های زیست محیطی تبدیل گردد.

با نگاه کردن از این منظر، منتقدان ضد ISDS به طور کلی و به خصوص سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی، بایستی به طور جدی در مورد موقعیت خود تجدید نظر نموده و آغاز به اعتراف کردن نمایند که روش‌های موثر ISDS می‌توانند واقعا یک ابزار مفید در بالا بردن اجرای واقعی و انطباق با تعهدات زیست محیطی باشند. (همان: ۲۲۳) در واقع ادامه چنین رویه‌ای و پذیرش تعهدات زیست محیطی، ناشی از معاهدات دو جانبه که عموماً نیز پذیرفته شده است. در تمام موافقت‌نامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری ملاحظه می‌شود.

بنابراین در صورت نقض تعهدات زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی ناشی از معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری میان دولت‌های متبوع، امکان دعوی و جبران خسارت بر طبق معاهده میان طرفین وجود دارد و بر طبق آنچه که در معاهده در این زمینه میان دولت‌ها مقرر گشته عمل می‌شود. برای نمونه در آگوست ۲۰۱۲ دادگاه در Abaclat و سایر بخش‌های آرژانتین (توسط اکثریت) رای داد که دادگاه، اختیار قانونی برای رسیدگی به دعاوی اقامه شده توسط تقریباً ۶۰۰۰۰ سرمایه‌گذار ایتالیایی را داشته و اینکه این دعاوی قابل قبول هستند. سرمایه‌گذاران ایتالیایی ادعا می‌کنند که آرژانتین تعهدات خودش را تحت قرارداد سرمایه‌گذاری دو جانبه آرژانتین ایتالیا، هنگامی که آن قرارداد مورد قصور قرار می‌گیرد نقض نموده است. (Zeigerman, 2014.317) با توجه به امکان توسل به داوری بین‌المللی در ماده ۸۳ معاهده دو جانبه آرژانتین-ایتالیا، مدعیان، قبل از آغاز اقدامات داوری، مناقشات خود را به دادگاه‌های آرژانتین، تفویض ننموده بودند. آراء مربوط به معاهده دو جانبه آرژانتین-ایتالیا نیز به سرمایه‌گذار اجازه عدول از این مقرر داوری، برای تعقیب قانونی ادعای خود ابتدا در دادگاه‌های محلی را می‌دهد. دادگاه‌های داخلی (ملی) قبلی، با مقررات معاهدات دو جانبه یکسان یا مشابهی مواجه بودند که برای اجازه دادن به مدعی جهت کنار گذاشتن این مقرر برای اینکه ابتدا ادعاهای خود را در دادگاه‌های محلی تعقیب نماید، شرط قانونی پر طرفدارترین کشور موجود در معاهدات دو جانبه را به کار بسته‌اند. بنابراین در دعوای ایتالیا علیه آرژانتین دادگاه ملی به سرمایه‌گذار ایتالیایی اجازه اتکا بر شروط موجود در معاهده آرژانتین-ایتالیا را به منظور بهره‌مندی از معاهده آرژانتین-ایالات متحده می‌دهد که در برگرفته یک رایزنی شش ماهه و دوره انتظار بود اما هیچ‌گونه مقررهای برای تعقیب قانونی جبران خسارات محلی، برای یک دوره زمانی معین را شامل نمی‌باشد. (همان: ۳۰۳) دادگاه در باکلت یک روش متفاوت را برگزید، دادگاه ملاحظه کرد که مفهوم ماده ۸ برای تعیین پیامدهای مربوط به نقض این مقرر نسبت به تعقیب قانونی ادعاها در دادگاه‌های ملی نامناسب بود.

۳- اقدام بر اساس طرح مسئولیت دولت‌ها

هر چند که بند یک ماده ۳۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تعهد دولت در خصوص جبران خسارت کامل را به زیان‌هایی مربوط می‌داند که از عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی شده

است، در حقوق بین‌الملل تعریف واحدی از اصطلاحات «زیان»^۱ «آسیب»^۲ و «خسارت»^۳ و غیره مطرح نشده است لیکن زیان بر اساس بند ۲ همین ماده، شامل خسارت مادی و معنوی می‌شود. (Crawford, 2001: 51) همچنین می‌توان آن را شامل مواردی هم که قصور و کوتاهی در کنترل و انجام تعهدات دولت نیز صورت گرفته باشد و البته عمل متخلفانه صورت گرفته باشد، نیز دانست. اما جبران خسارت به شکل پرداخت غرامت، اعاده به وضع سابق و پرداخت خسارت، کمتر در خصوص مسئولیت دولت متبوع شرکت‌های چند ملیتی در قبال تخلفات شرکت‌ها، مطرح شده است چرا که قبل از بحث جبران خسارت، اصل شناسایی مسئولیت برای شرکت‌های چند ملیتی و همچنین دولت متبوع آنها هنوز مراحل اولیه خود را طی می‌کند و آنچه تاکنون رایج بوده است مسئولیت دولت میزبان در قبال رفتار خود با شرکت‌های چند ملیتی، بویژه در زمینه مصادره اموال و ملی کردن بوده است. لذا رویه قضایی و داوری در این زمینه تاکنون رشد چندانی نداشته است و اما در خصوص تعهدات زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی و دولت متبوع آنها، بهتر است ماده ۴۸ طرح کمیسیون نیز در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. ماده ۴۸ طرح کمیسیون تصریح می‌دارد که هر دولتی غیر از دولت زیان دیده حق دارد مطابق بند ۲ ذیل به مسئولیت دولت دیگر استناد کند اگر: تعهد نقض شده در قبال گروهی از دولت‌ها از جمله آن دولت بوده و این تعهد برای حمایت از منفعت جمعی گروه ذیربط وضع شده باشد، یا تعهد نقض شده در قبال جامعه بین‌المللی در کل باشد. هر دولتی که به موجب بند مزبور محق به استناد به مسئولیت باشد می‌تواند از دولت مسئول این موارد را درخواست کند: توقف فعل متخلفانه بین‌المللی و اطمینان دادن و تضمین به عدم تکرار آن مطابق ماده ۳۰، اجرای تعهد به جبران خسارت به نفع دولت زیان دیده یا ذی‌نفع‌های تعهد نقض شده منطبق با مواد پیشین. شرایط لازم برای استناد به مسئولیت توسط زیان‌دیده به موجب مواد ۴۵-۴۳ برای استناد به مسئولیت توسط دولت مذکور در بند یک فوق نیز اعمال می‌شود (محبی، ۱۳۹۲: ۵۴)

¹ - Injury

² - Harm

³ - Damage

هر چند به سختی می‌توان گفت که در حال حاضر طرح دعوی به نمایندگی از طرف جمع پذیرفته شده است (برخلاف ماده فوق‌الذکر) اما دلایل متعددی وجود دارد که تعهد دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست (چه در قلمرو خود و چه آن سوی مرزها) جنبه عام‌الشمول یافته است و تعهدی است در قبال جامعه بین‌المللی در کل. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای میان استرالیا و نیوزلند از یک طرف و فرانسه از طرف دیگر در خصوص خسارات زیست محیطی بر مشترکات عمومی (دریای آزاد) بیان نمود که چنین نقض‌هایی به خودی خود، بر منافع یک کشور خاص تاثیر نمی‌گذارد بلکه بر کل جامعه بین‌المللی موثر است. همچنین تاکنون در سه سند مهم بین‌المللی، تخریب وسیع پایدار و شدید محیط زیست به عنوان جنایت بین‌المللی قلمداد شده است. بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۷۷، ماده ۱۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی و کنوانسیون استراسبورگ مورخ ۱۹۹۸ اتحادیه اروپا رویکرد کیفری به مقوله محیط زیست دارند. نظر به اینکه مفهوم تخلف در حقوق کیفری زمانی عینیت پیدا می‌کند که به هم‌خوردن نظم عمومی را به دنبال داشته باشد می‌توان چنین نتیجه گرفت که محیط زیست از مفاهیمی است که به منفعت دولت‌ها مرتبط می‌شود، ولو در صورتی که خسارت وارده به محیط زیست ناشی از فعالیت یک شرکت چند ملیتی باشد همانطور که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر شماره ۶ ماده ۴۸ خود (در خصوص مسئولیت مشترک) می‌گوید: «تعهدات مشمول قسمت الف بند یک باید از «تعهدات جمعی» باشد یعنی باید بین گروهی از دولت‌ها اعمال و برای حمایت از یک منفعت جمعی وضع شده باشند. این تعهدات ممکن است به عنوان مثال به محیط زیست یا امنیت یک منطقه مربوط باشند.» به نظر می‌رسد با تفسیر ماده ۴۸ این طرح بتوان گفت که خسارت زیست محیطی ناشی از فعالیت یک شرکت چندملیتی، قابل انتساب به دولت متبوع شرکت می‌باشد زیرا تعهد به رعایت اصول محیط زیست در واقع تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کل محسوب می‌شود و همچنین تعهدی برای حمایت از منفعت جمعی گروه محسوب می‌شود، لذا مسئولیت ناشی از فعل زیان‌بار شرکت چند ملیتی قابلیت انتساب به دولت متبوع و یا دولت‌های دخیل در نقض تعهد بین‌المللی می‌باشد.

از سوی دیگر ورود موضوع محیط زیست به اسناد حقوق بشری که مورد تایید اعلامیه ریو نیز واقع شده حاکی از آن است که حقوق بین‌الملل محیط زیست از نظر جامعه بین‌المللی در حال خارج شدن از وضعیت حاکم محور و در حال وارد شدن به وضعیت بشر محور است. در وضعیت اخیر، اصل تقابل کمرنگ می‌شود و ارزش‌های والای انسانی جای آن را می‌گیرد. آنچه موجب تعهد بر یک دولت می‌شود تعهد متقابل دیگر دولت‌ها نیست بلکه هر یک از دولت‌ها به طور یک جانبه در قبال نسل‌های بشر تعهد به حفاظت از محیط زیست دارند. به همین دلیل است که گفته می‌شود: دولت‌ها کره زمین را از گذشتگان به ارث نبرده‌اند بلکه از آیندگان به عاریت گرفته‌اند. نکته‌ای که بسیار قابل توجه است اینکه در خصوص محیط زیست نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی بسیار اهمیت دارد چنانچه برخی حقوقدانان معتقدند که مقام بین‌المللی اعماق، نهاد صالحی برای تعقیب خاطیان در منطقه بین‌المللی اعماق دریاست و یا سازمان غیردولتی حقوقی لاینر که در اینجا علیه شرکت بریتیش پترولیوم طرح دعوی کرده است و یا اقدامی که به نمایندگی از جمعیت ذی‌نفعان اعم از ماهیگیران و ساکنین ساحل خلیج مکزیک بوده است. پذیرفتن این رویکرد نشان می‌دهد که مفهوم ضعف حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط زیست تغییر ماهیت داده است و به منفعت جمعی (حداقل در برخی مسائل زیست محیطی) تبدیل شده است. از طرفی به عنوان مثال اقدام سریع و مسئولانه بریتیش پترولیوم در ایجاد صندوق جبران خسارت علیرغم تمام کاستی‌هایش بیانگر پایبندی این شرکت به اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست است و از سوی دیگر رفع مسئولیت مستقیم از دولت آمریکا است. هر چند آثار فجایع زیست محیطی در خاطره طبیعت به یادگار خواهد ماند و حتی ممکن است در آینده تحت عنوان ژنوساید از آن یاد شود اما این تهدید می‌تواند فرصتی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست برای فجایع احتمالی در آینده باشد.

نتیجه‌گیری

تاکنون در راستای فعالیت‌های زیان‌آور به محیط زیست توسط شرکت‌های چندملیتی اقدامات حقوقی بسیاری صورت گرفته است. به این منظور اسناد بین‌المللی متعدد و معاهدات بین‌المللی و آراء قضایی ملی مختلف وجود دارد، علیرغم تمامی پیشرفت‌هایی که در آنها به

دست آمده است، لیکن منجر به ارائه تعهدات یا قاعده حقوقی واحد که مسئولیت ناشی از نقض الزامات زیست محیطی توسط شرکت‌های چند ملیتی را بیان دارد نگردیده است. شرکت‌های چند ملیتی، با وجود خسارات فراوان زیست محیطی همچنان به ساز و کارهای الزام‌آور حقوقی بین‌المللی پایبند نشده‌اند در واقع امروزه شرکت‌های چند ملیتی، جدای از مقررات نه چندان دست و پاگیر داخلی و بین‌المللی، محدودیت چندانی در راستای نقض حقوق محیط‌زیست و حقوق بشر احساس نمی‌کنند و رها از قیود و شروط مسئولیت بین‌المللی به رفتارهای مخاطره‌آور خود ادامه می‌دهند. لذا می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، خود رشته نسبتاً جوانی است ولیکن می‌تواند زمینه ساز مقررات رفتاری برای شرکت‌های چند ملیتی باشد. همانطور که اشاره کردیم اصول زیست محیطی مختلفی در حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود دارند که قابل انتقال به شرکت‌های چند ملیتی می‌باشند همچون احتیاط پیشگیری، یکپارچه سازی، مراقبت کافی، ارائه اطلاعات زیست محیطی، مشورت عمومی و استفاده پایدار از منابع طبیعی که در حال تبدیل شدن به تعهدات زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی هستند این اصول در چارچوب حقوق نرم و غیر الزام‌آور و در اسناد مختلفی مانند اعلامیه استکهلم، ریو و دستور کار ۲۱ تصریح گردیده‌اند، که می‌تواند به مرور زمان و با تطبیق رویه عملی دولت‌ها به شکل قاعده الزام‌آور حقوق بین‌الملل عرفی در آیند. به عبارتی دیگر می‌توان این اصول را به عنوان معیار و ملاک ارزیابی رفتار شرکتها و میزان پایبندی آنها به اهداف زیست محیطی به شمار آورد. با نگرش به معاهدات نیز مشاهده می‌شود صرفاً معاهداتی معدود وجود دارند که جنبه‌های خاصی از مسئولیت را، آن هم نه برای شرکت‌ها بلکه برای دولت‌ها به طور کلی پیش بینی نموده‌اند. لذا در این نوشتار در راستای پر نمودن خلاها و وجود ضعفها در خصوص مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی ناگزیر به رویه قضایی جهت ارائه یک رژیم قاعده‌مند برای مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی بیشتر توجه نمودیم.

با بررسی تعدادی از مهم‌ترین آراء قضایی ملی به ویژه در کشورهای مبدا به این نتیجه رسیدیم که شاید حدود بیش از هفتاد درصد از دعاوی که علیه شرکت‌های چندملیتی طرح شده به دلایلی و گاهی به بهانه‌های شکلی و ماهوی رد شده‌اند و خواهان یا از ادعای خود

صرف نظر کرده و یا در خارج از دادگاه با رقم و مبلغ بسیار کمتر از خواسته خود به توافق رسیده است. بنابراین اگر بخواهیم یک رژیم قاعده‌مند در خصوص مسئولیت شرکت‌های چند ملیتی بدست آوریم، به نظر می‌رسد بتوان انتساب مسئولیت به این شرکت‌ها را در وضعیتی که زیان دیده خصوصی است (دعاوی خصوصی) با وضعیتی که زیان دیده دولت است (دعاوی دولتی) تفاوت قائل شد. بدین ترتیب که وقتی زیان دیده خصوصی باشد می‌توان از باب مسئولیت مدنی، مسئولیت شرکت چند ملیتی را در صورت وجود و احراز شرایط مسئولیت مدنی محقق دانست. اما مشکل اصلی زمانی است که زیان دیده دولتی باشد و دعوی عمومی تلقی شود. مثل اینکه زیان به خود محیط زیست (جنگل‌ها، مراتع و...) که در ملک شخصی نمی‌باشد، وارد شده باشد، در این صورت به نظر می‌رسد بتوان چنین رژیمی را طرح نمود که اگر میان دولت زیان دیده و دولت متبوع سرمایه‌گذار (شرکت چندملیتی) معاهدات دوجانبه بین‌المللی (BITs) وجود داشته باشد که تکلیف را در این زمینه روشن نموده باشد، بر اساس آن عمل می‌شود، اما اگر معاهده‌ای نیز وجود نداشته باشد باید چه کرد؟ به نظر می‌رسد بهترین پاسخ در چنین وضعیتی اقدام دولت زیان دیده علیه دولت متبوع سرمایه‌گذار و نه خود سرمایه‌گذار، در قالب ماده ۴۸ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل (نقض تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کل) از باب نقض حقوق بشر (نسل سوم؛ حقوق همبستگی) باشد.

مهم‌ترین چالش، در خصوص جبران کامل خسارت‌های زیست محیطی، ارزیابی خسارات وارد شده است که بسته به نوع آسیب راه کارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد هیچ کدام از این راه کارها نمی‌تواند خسارات زیست محیطی را کاملاً جبران کند، ولی در مجموع تا حد امکان بازسازی محیط زیست و اعاده وضع به حالت قبل از ورود خسارت می‌تواند بهترین تصمیم اخذ شده از سوی مقامات قضایی باشد. به طور کلی می‌توان گفت در کنار گسترش دامنه و نفوذ فعالیت شرکت‌های چندملیتی، مسئولیت آنها نیز در ابعاد مختلف گسترش یافته است. اگر چه ضوابط ناظر بر فعالیت‌ها در برخی موارد همچنان غیر الزام‌آور و اختیاری و داوطلبانه هستند اما امید می‌رود که با مشارکت همه طرف‌های ذینفع فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، تدوین شده و به اجرا درآید.

منابع فارسی

کتب

- آرش پور، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست محیطی*، تهران: انتشارات جاودانه، چاپ اول
- الماسی، نجاد علی (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهاردهم
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول
- رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۸۹)، *تجارت بین‌الملل و محیط زیست*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول
- سید عباس پور هاشمی، بهاره ازغند (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول
- سبحان طیبی، مهناز ضرابی (۱۳۹۴)، *مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران: نشر میزان، چاپ اول
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: نشر گنج دانش، چاپ چهل و یکم
- عسگری، پورییا (۱۳۹۱)، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول
- گروه صلح کرسی حقوق بشر (۱۳۹۱)، *صلح و دموکراسی یونسکو*، حقوق زیست محیطی بشر، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم
- لوونفلد، آندریاس (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه: محمد جعفر قنبری جهرمی، تهران: انتشارات جنگل
- محبی، محسن (۱۳۸۳)، *دیوان داوری دعاوی ایران، ایالات متحده آمریکا*، تهران: انتشارات فردافر، چاپ اول
- موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم

- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم

مقالات

- دو وریز، هنری (۱۳۶۷)، **داوری تجارت بین‌المللی**، مترجم: محسن محبی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران
- رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۰)، **نگاهی اجمالی به تعامل تجارت و محیط زیست در پرتو موافقت‌نامه‌های تجاری**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۴
- شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، **خسارات وارد بر محیط زیست از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی: چالش‌های موجود**، مجله جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات مرکز امور حقوقی بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری، شماره ۵۰
- ضیایی، سید یاسر (۱۳۸۹)، **جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری**، مجله پژوهش حقوق، تهران
- مهربان داراب پور، سعید سلطانی احمدآباد (۱۳۹۴)، **فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی**، مجله حقوقی بین‌المللی، تهران، شماره ۵۲

خبرگزاری

- امیدوار، علیرضا (۱۳۸۵)، **رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌ها**، قابل دریافت در: <http://foreigninvestment Blogfa.com/Dec.2014/>
- ناجی، فراز (۱۳۸۶)، **وظیفه شرکت‌های چند ملیتی در رعایت حقوق بشر**، قابل دریافت در: www.celsiusblogpost.com/Feb.2014

Ressources

Book

- DOMke Martin (1396), **International Arbitration** – The Hague
- Hanley, N; Shogern, J.F. and White. B., (2007), **Introduction to Environmental Econommic**, New York. Oxford University Press
- Jedrej Frynas George (2009), **Beyond corporate Social Responsibility, Oil Multinationals and Social challenges**, Cambridge university press, 2009

- Muchilinski, T. Peter(2009),**Multinational Enterprises and the Law**. London. Blackwell Publishers Ltd, last Edition
- Sornarajah, M.(1994), **The International Law on Foreign Investment**, Cambridge University press, New York
- Zeigerman, Ulrike (2014), **Responsible Business Conduct: From Good Intention to Sustainable Development**, Better policies for Better Lives, OECD

Article

- Anderson Michael (2002),**Transnational Corporations and Environmental Damages: is Tort law the Answer**», washburn law journal, No 31
- Sanford, E. Gainnes(2002), **Processes and Production Methods: How to Prouduce Sound policy for Environment PPM-Based Trade Measures?**" Columbia Journal, Vol. 27

Document

- **Commission of European Community V.France**,27 Februray 1980.
- **Environment and Trade A Handbook**, IISD and UNEP,2005.
- **European Court Report**, Tax Arrangements Applicable to spirits, Case 108/78.
- UNCTAD (2004), **Trade and Development Report**, New York and Geneva: UNCTAD, avalibale at: http://www.unctad.org/en/docs/tdr2004_en.pdf